

## Cognitive Analysis of Divine Traditions in "Arrogance" with a Qur'anic Approach (based on the Imaginary schemas)

*Mohammad Hadi Yadollahpur<sup>1</sup>*

*Eftekhar Barzgar Ebrahimi<sup>2</sup>     Fatemeh Hasannejad<sup>3</sup>*

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies and Research Center for Factors Affecting Health, Health Research Institute, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran. Email: [baghekhial@gmail.com](mailto:baghekhial@gmail.com)
2. PhD candidate, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. Email: [eftekhar.barzgar@gmail.com](mailto:eftekhar.barzgar@gmail.com)
3. PhD Candidate, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. Email: [f.hasannejad56@gmail.com](mailto:f.hasannejad56@gmail.com)

DOI: 10.22051/tqh.2024.43986.3910

**Article rank:**

scientific-  
promotional

**Received:**

24/06/2023

**Accepted:**

02/03/2024

**Keywords:**

The Holy  
Qur'an, Divine  
Tradition,  
Arrogance,  
Conceptual  
Metaphors,  
Imaginary  
Schemas  
Rhetoric and  
Creativity

**Abstract:** "Divine traditions" (*sunan*), as laws and measures governing the creation system, is a frequently Qur'anic concept in linguistic interpretations. Using the cognitive semantic approach in the conceptual metaphors as a tool for understanding abstract concepts, this article tries to investigate the function of imaginary schemas in the metaphorical conceptualization of "arrogance" and reach the effective power-dynamic structure of the flow of "divine traditions" in the laws of divine universal geometry. Therefore, in a descriptive-analytical method, it investigates the concept of "*kibr*" (pride/arrogance) as the most frequent word in the Qur'an in the field of moral vices and the main indicator of the opponents of the right, in the conceptual system of the Holy Qur'an. Therefore, it methodically discovers the linguistic-metaphoric situations influenced by divine traditions in the area of arrogance and the imaginary schemas presented by concretizing abstract concepts in an objective format. Findings show the influence of "*kibr*" as a powerful obstacle in depriving God's mercy and a strong force in the direction of downward movement towards misguidance of oneself and others. It affects drawing the intensity of vanity of the arrogant man, using the phrases "arrogance is an obstacle" and "arrogance is power". The implicit meanings resulting from this linguistic system, point to the degree of semantic degradation and the position of arrogance in the Qur'an. The mainstream of divine traditions is seen in the verses, based on the metaphorical concepts about "the arrogance" with titles such as "*zīyādat dīlālat*", "*'imlā' and 'istidrāj*", "*'imhāl and 'istīsāl*", "deprivation" and "learning lesson".

## تحلیل شناختی سنت‌های الهی در حوزه "استکبار" با رویکرد قرآنی؛ (بر پایه طرح‌واره‌های تصویری)

محمد‌هادی یدالله‌پور<sup>۱</sup>    افتخار برزگر ابراهیمی<sup>۲</sup>    فاطمه حسن‌نژاد<sup>۳</sup>

۱. دانشیارگروه معارف اسلامی و مرکز تحقیقات عوامل مؤثر بر سلامت پژوهشکده سلامت دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران (نویسنده مسئول). baghekhial@gmail.com  
 ۲. دانشجوی مقطع دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. eftekhhar.barzegar@gmail.com  
 ۳. دانشجوی مقطع دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. f.hasannejad56@gmail.com

DOI: 10.22051/tqh.2024.43986.3910

**چکیده:** سنت‌های الهی "به مثابه قوانین و تدابیر حاکم بر نظام آفرینش، یکی از مفاهیم گسترده در تعبیرهای زبانی قرآن کریم است. این نوشتار با رویکرد "معنی‌شناسی شناختی"، در حوزه استعاره‌های مفهومی، به عنوان ابزار پایه‌ای برای بیان و درک مفاهیم انتزاعی، می‌کوشد کارکرد طرح‌واره‌های تصویری را در مفهوم‌سازی استعاری "استکبار" بررسی کند و از رهگذر آن به ساختار مؤثر نیرو-پویایی جریان "سنت‌های الهی" در قوانین هندسه جهانی الهی دست یابد. از این رو با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی مفهوم "کبر" به عنوان پیرسامدترین واژه قرآنی در حوزه رذائل اخلاقی و شاخصه اصلی معارضان حق، در کلان سیستم مفهومی قرآن کریم، پرداخته است. از این طریق به شکلی روشمند موقعیت‌های زبانی-استعاری متأثر از سنت‌های الهی در حوزه استکبار و طرح‌واره‌های تصویری ارائه شده از آن کشف شده و با ملموس‌سازی برخی مفاهیم انتزاعی در قالبی عینی، تحلیل نوینی فراروی مخاطب قرار می‌دهد. دستاورد این پژوهش بیانگر میزان اثرگذاری "کبر" به عنوان مانعی قدرتمند در سلب رحمت الهی و نیرویی قوی در جهت حرکت نزولی به سوی ضلالت و گمراهی خود و دیگران است که با نداشت استعاری «کبر، مانع است»، «کبر، قدرت است»، در ترسیم شدت باطل‌گرایی انسان متکبر اثرگذار است. معانی ضمنی حاصل از این ساز و کار زبانی، به درجه تنزل معنایی و مقامی استکبار در معیار قرآن کریم اشاره دارد. عمده‌ترین جریان سنت‌های الهی، براساس مفاهیم استعاری موجود در حوزه "استکبار" با عناوینی مانند "زیادت ضلالت"، "املاء و استدراج"، "امهال"، "استیصال"، "محرومیت" و "عبرت‌آموزی" در سطح آیات الهی مشاهده شده‌است.

صص ۲۳۵-۲۰۱

نوع مقاله:

علمی-پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۹/۱۲

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۶/۰۵

واژه‌های کلیدی:

قرآن کریم، سنت الهی، استکبار، استعاره‌های مفهومی، طرح‌واره‌های تصویری.

## ۱. مقدمه

دستیابی به آموزه‌های متعالی معجزه جاودان الهی، نیازمند روش‌شناسی خاصی است که به کمک آن مفسر و مترجم قرآن کریم بتواند با فهم صحیح و متقن از آیات، ترجمه و تفسیری نوین و کارآمدتر از مفهوم‌سازی‌های الهی درحوزه مفاهیم کلیدی اخلاقی ارائه دهد. در عصر حاضر با توسعه روش‌های نوظهور مطالعه "معنی" و بررسی الگوهای مفهوم‌سازی در آیات الهی، به‌ویژه حوزه مفاهیم استعاری، دریچه‌ای تازه به‌روی معارف عمیق کلام الهی گشوده شده است. مطالعات "زبان‌شناسی شناختی" جایگاه ویژه‌ای در بازتاب الگوهای تفکر و انعکاس ویژگی‌های بنیادین و مختصات اصلی سازوکارهای ذهنی دارد و به ابعاد شناختی ارتباط زبانی می‌پردازد (اؤنز، گرین، ۱۳۹۹، ص ۱۳). یکی از زیرشاخه‌های اصلی در این دانش، "معنی‌شناسی شناختی" است که به بررسی رابطه بین نظام مفهومی و ساختار معنایی رمزگذاری شده در زبان، براساس مدل‌سازی از ذهن بشر می‌پردازد (افراشی، ۱۴۰۰، ص ۲۸). "استعاره‌های مفهومی" درحوزه مطالعه کانونی معنی‌شناسی شناختی به‌عنوان یک پدیده چندبُعدی، گویای عملکرد شناخت در انسان است و مفاهیم ذهنی بشر را بازنمایی می‌کند. تجربه انسان و تعامل با جهان پیرامون، مبنای اصلی شکل‌گیری آن است. بر اساس این نظریه، ساخت مفهومی از طریق نگاهت‌های میان حوزه مبدأ (مفهوم ملموس) و مقصد (مفهوم انتزاعی)، و انطباق میان این حوزه‌ها به‌صورت «حوزه مقصد، حوزه مبدأ است.» شکل می‌گیرد (چارتریس - بلک، ۱۳۹۸، ص ۲۴). سطح اولیه‌تری از ساخت شناختی زیربنا و منشأ نگاهت‌های استعاری برای حوزه‌های انتزاعی را "طرح‌واره‌های تصویری" تشکیل می‌دهند. این ساخت‌ها برای اندیشیدن درباره مفاهیم انتزاعی تر بکار می‌رود (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۳۷۳).

پژوهش حاضر براساس روش توصیفی-تحلیلی درصدد آن است که با مروری بر استعاره‌های مفهومی آیات "استکبار"، به‌عنوان یکی از پربسامدترین ردائل اخلاقی و زیربنای اصلی کفرورزی و لجاجت انسان، و واکاوی شیوه مفهوم‌سازی آن با سازوکار طرح‌واره تصویری، به سامان‌دهی مفهومی "سنت‌های الهی" بر اساس نگاهت‌های استعاری آن بپردازد. برخی از عوامل کنش‌گر در ایجاد سنت‌های الهی در حیات و سرنوشت

فردی-اجتماعی انسان بر اساس نگرش شناختی تبیین می‌شود. با تحلیل سنت‌های الهی در قرآن کریم؛ می‌توان جهت‌گیری‌های مثبت و منفی جامعه انسانی را، به شیوه معادله قابل مشاهده در فضاهاى ذهنی و استعاره مفهومی ترسیم‌شده در زبان قرآن، به دست آورد. ساختار مؤثر نیرو-پویایی مختلف در موقعیت‌های زبانی قرآن کریم، به صورت عوامل و نیروهای گوناگونی نظیر "تکبر" و روحیه مستکبرانه در تمام شئون فکری، اعتقادی، گفتاری و... جلوه‌گر شده است و با توجه به قوانین هندسه جهانی الهی از اعمال انسان، سبب بروز و ظهور سنت‌های الهی می‌گردد. از این رو نگاهی جامع به برخی تعبیرهای زبانی در مورد قوانین تغییرناپذیر الهی در گستره زیرساخت‌های استعاره‌ای، به پیدایش معانی نوظهوری منتهی می‌شود که با مجموع معانی عنصرهای تشکیل‌دهنده آن تفاوت دارد.

در میان مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه طرح‌واره تصویری، خلأ پژوهشی که فراتر از رویکرد سنتی و در گستره مطالعات زبانی به کار بست سنت‌های الهی در مورد مستکبران بپردازد، مشاهده می‌شود. لذا این نوشتار مفهوم ضد ارزشی "کبر"، به عنوان یک مفهوم انتزاعی، و سنت‌های رایج الهی در این حوزه را در قالب استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری آن، بررسی معنی‌شناسانه نموده تا از این رهگذر به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

۱. سازوکار شناختی استعاره مفهومی، در تبیین و درک مفهوم انتزاعی "تکبر" چگونه است؟
۲. کارکرد طرح‌واره‌های تصویری در حوزه "سنت‌های الهی" در نظام گفتمان قرآنی چگونه است؟
۳. تأثیر شناختی ابعاد مختلف "سنت‌های الهی" در حوزه "استکبار" چگونه است؟

## ۲. پیشینه تحقیق

مطالعات زبان‌شناسی شناختی در بازنمایی طرح‌واره‌های تصویری و مفاهیم استعاره‌ای در قالب کتاب، مقله و پایان‌نامه به نگارش درآمده است. به دلیل اهمیت مبحث "استکبار" و

همچنین "سنت‌های الهی" نیز پژوهش‌های متعددی به نگارش درآمده است. در این میان پژوهشی ژرف‌کاوانه با رویکرد "معنی‌شناسی شناختی"، درحیطه کارکرد طرح‌واره‌های تصویری در مفهوم‌سازی "استکبار" با محوریت سنت‌های الهی در گفتمان قرآنی، با خوانشی روشمند و فراتر از مطالعات سنتی ضروری به نظرمی‌رسد. اصلی‌ترین پژوهش‌های مرتبط درحوزه "استکبار" عبارتند از:

- «استکبار پژوهشی، تحلیلی د رپرتو قرآن کریم» (۱۳۹۹)<sup>۱</sup>. پدیدآور: محمود ساجو، استاد راهنما: علی زبیدی.

در این پژوهش با جستجو در آیات قرآن و روایات، مفهوم و مصداق استکبار، مطالعه شده است. این نوشتار فاقد رویکرد زبانی است.

- «فرهنگ مقاومت و استکبارستیزی در قرآن» (۱۳۹۶)<sup>۲</sup>. پدیدآور: فرزانه اسدی، استاد راهنما: حمید محمدی راد.

نگرگاه موجود در این پژوهش نیز توصیفی بوده و بر مبنای الگوی زبانی شکل نگرفته است.

- «معناشناسی استکبار در قرآن کریم» (۱۳۹۴)<sup>۳</sup>. اثر اصغر افتخاری و مجتبی باباخانی، که با بررسی واژگان همنشین واژه استکبار در آیات قرآن، حوزه معنایی آن بیان گردیده است.

- «معناشناسی واژه استکبار در قرآن بر مبنای نظریه ایزوتسو» (۱۳۸۸). نوشته مهدی شهیدی.<sup>۴</sup> در این مقاله واژگان به ظاهر هم‌معنی با واژه استکبار بر پایه نظریه ایزوتسو در معناشناسی بررسی شده است.

۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، جامعه آل‌البیت (علیه السلام).

۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مراغه.

۳. آموزه‌های قرآنی، ش ۲۱، صص ۲۷-۵۳.

۴. معرفت، ۱۸ (۸)، صص ۱۲۷-۱۳۵.

- «گونه‌شناسی استکبار و ماهیت آن در قرآن کریم» (۱۳۹۷). اثر سیما جوینی‌پور و سهیلا پیروزفر.<sup>۱</sup> نگارندگان به بررسی واژگان همنشین استکبار بر پایه ترادف و دو مورد از تقلب معنایی واژه پرداخته و به گونه‌های استکبار در شکل فردی، اجتماعی و اخلاقی، عوامل و آثار پیدایش آن اشاره داشته‌اند. رویکرد زبانی خاصی در جهت ارائه موضوع استفاده نشده است.

- «معناشناسی واژه "استکبار" در قرآن کریم بر پایه روابط همنشینی (مطالعه موردی کانون‌های کاربردی و تقابل معنایی)» (۱۳۹۹). نوشته فاطمه سلیمی، سیدمعصوم حسینی و افتخار برزگر.<sup>۲</sup> این پژوهش به ارتباط معنایی واژه "استکبار" با واژگان همنشین اشاره داشته، سپس با تحلیل موردی برخی از مؤلفه‌های روابط همنشینی مانند کانون‌های کاربردی و تقابل معنایی، میدان معنایی این واژه را روشن نموده است.

### ۳. استعاره مفهومی

دانش استعاره از جمله مهم‌ترین پدیده‌های معنایی است که با ظهور زبان‌شناسی شناختی، از چهارچوب ابزاری صرفاً ادبی، خارج شد و به عنوان یکی از ویژگی‌های زبان روزمره مورد مطالعه قرار گرفت. خاستگاه استعاره را باید در چگونگی مفهوم‌سازی یک قلمرو ذهنی، بر حسب قلمرو ذهنی دیگر یافت. در این دیدگاه یکی از ساحت‌های ایجاد استعاره‌های مفهومی، ایجاد نگاشت بین قلمرو مبدأ و قلمرو مقصد است. این نگاشت ساخت‌مند و بر مبنای تناظرهای هستی‌شناختی است؛ هستی‌های قلمرو مقصد به گونه‌ای نظام‌یافته با هستی‌هایی متناظرند که در قلمرو مبدأ قرار دارند. لذا در طی فرآیند مفهوم‌سازی مشاهده می‌شود برخی از مفاهیم انتزاعی روزمره نظیر زمان، حالت‌ها، علیت و هدف نیز استعاری می‌باشند (لیکاف، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳-۱۳۷). در حقیقت با استفاده از ویژگی‌های قلمرو مبدأ، معنا و ویژگی‌های قلمرو مقصد درک می‌شود. مفاهیم استعاری که در یک فرهنگ بکار می‌روند دارای سه ویژگی نظام‌مندی منحصربه‌فرد، دوگانه برجسته‌سازی و

۱. مطالعات قرآن و حدیث، ۱۲(۱)، صص ۱۶۹ تا ۱۹۸.

۲. پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۶، صص ۱۹۵ تا ۲۲۴.

پنهان‌سازی، و انسجام می‌باشند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۹- الف، ص ۶۷)؛ که به ارائه الگوی تفکر در مفاهیم انتزاعی و تغییر جهان بینی منجر می‌شود (نصرتی، رکعی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۷). مهم‌ترین گونه‌های استعاره مفهومی در تقسیم‌بندی لیکاف و جانسون عبارت است از: استعاره‌های ساختاری، استعاره‌های وجودی یا هستی‌شناختی و استعاره‌های جهت‌یابانه (جهتی) (قائمی‌نیا، ۱۳۹۹- الف، ص ۷۱-۷۰).

#### ۴. طرح‌واره‌های تصویری سطح پایه

تجربیات انسان از جهان خارج، ساخت‌هایی در ذهن پدید می‌آورد که آنها را به زبان خود انتقال می‌دهد. این ساخت‌های مفهومی تکرار شونده و پویا، همان "طرح‌واره‌های تصویری" هستند که ذاتاً معنی‌دار و حاصل تعامل ادراکی و حسی-حرکتی انسان با محیط است. طرح‌واره‌ها ابزار ساختار بندی تجربه و انسجام بخشی ادراک‌ها و مفاهیم حسی است؛ بدین معنی که پیامدهای قابل پیش‌بینی دارند و به کمک آن می‌توان ابعاد تازه‌ای از تعبیرهای زبانی را روشن نمود (جانسون، ۱۳۹۸، ص ۱۴۷). طرح‌واره‌ها به عنوان یکی از الگوهای مرتبط با استعاره مفهومی، خود می‌توانند مبنای شکل‌گیری آن واقع شوند (پارسا، ۱۳۹۹، ص ۲۸۴). بر اساس دیدگاه "مارک جانسون" مهم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری که طرح‌واره‌های سطح پایه را تشکیل می‌دهند؛ طرح‌واره حرکتی، قدرتی و حجمی است (جانسون، ۱۳۹۸، ص ۷۰).

#### ۴-۱. طرح‌واره حرکتی (جنبشی / مسیر / چرخشی)

بر اساس تجربه حرکت انسان و سایر پدیده‌ها، در زبان می‌توان شاهد تعبیراتی بود که گویای نمودار مسیر حرکتی در گذر زمان از مکان مبدأ به سمت مکان مقصد است. کاربست عنصر مؤثر "مکان"، در انواع طرح‌واره‌های حرکتی، تأثیر بسزایی در معنی‌آفرینی متن خواهد داشت و به شکل آشکاری با نظام نشانه‌ای زبان در ارتباط است. "مکان" در نظام‌های گفتمانی جنبه عینی و مادی دارند. مکان به دلیل تعامل و آمیختگی انسان، دارای هویتی معنی‌دار، عاطفی، شناختی، کاربردی، اضطراب‌انگیز، آرامش‌بخش، زیبایی‌شناختی، هستی‌شناختی و... می‌باشد (شاددل و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۵۸).

#### ۴-۲. طرح‌واره حجمی (ظرفی)

درک مفهوم انتزاعی "حجم" با توجه به تجربه انسان از وجود فیزیکی خود مبنی بر اشغال بخشی از فضا، امکان‌پذیر است. بنابراین انسان خود را مظلوف ظرف و مکان‌هایی سه بُعدی را که دارای حجم بوده، ظرف تلقی می‌کند و این تجربه فیزیکی را به مفاهیم دیگری که به لحاظ جوهری یا مفهومی حجم‌ناپذیرند، بسط می‌دهد. در نتیجه طرح‌واره‌های انتزاعی از حجم‌های فیزیکی در ذهن خود پدید می‌آورد.

#### ۴-۳. طرح‌واره قدرتی (نیرو-پویایی)

طرح‌واره قدرتی آن است که در مسیر حرکت سدی پدید آورده و ادامه حرکت را ناممکن سازد. انسان با طرح نقشی انتزاعی توسط نیرو و قدرت خود باعث از بین رفتن موانع می‌شود و با ارائه راه حل صحیح به مسیر ادامه می‌دهد. طرحی که از این تجربه در ذهن انسان پدید آمده، به پدیده‌هایی نسبت داده می‌شود که فاقد آن هستند. این طرح‌واره در اقسامی مطرح شده است، مانند: ۱. مانع غیرقابل نفوذ و تغییر؛ ۲. مانع غیرقابل نفوذ و امکان تغییر مسیر؛ ۳. مانع قابل نفوذ؛ ۴. مانع قابل رفع (جانسون، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲-۱۰۵). یکی از اقسام طرح‌واره "نیرو"، طرح‌واره "توانایی" است که در صورت وجود مانع، انسان را با احساس توانایی یا کمبود نیروی جابجایی اشیاء مواجه می‌سازد. این طرح‌واره با بردار نیروی بالقوه، به صورت وجود یا عدم وجود نیروی کافی و یا نبود مانع و نیروی متقابل بازنمایی می‌شود (جانسون، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹).

علاوه بر موارد فوق، طرح‌واره‌های دیگری را نیز مانند: تعادلی، ربطی، کانونی، حاشیه‌ای، دور-نزدیک، کل-جزء، تماسی، سطحی، ادغامی و انفکاک‌ی... برای ملموس‌ساختن مفاهیم انتزاعی مطرح‌نموده است (محمدی آسیابادی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷). در این میان دو طرح‌واره "این‌همانی" (تطبیق و مقایسه) و طرح‌واره "وجود" (وجودداشتن، از بین رفتن/ بردن و فرایندهایی از قبیل شدن) از اهمیت ویژه‌ای در عینی‌سازی مفاهیم مربوط به عذاب برخوردار هستند (قائم‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۳۸-۱۳۷).

#### ۵. سنت‌های الهی در نظام گفتمانی قرآن کریم



"سنت‌های الهی" بیان سلسله قوانین مشخص و معینی است که به فرمان الهی بر نظام جهان حکم فرماست. "سنت" از ریشه "سَنَنَ" و در لغت به معنای راه (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۲۵)، روش، سیره و طریقه است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۲۱۴۱). به طور کلی "سنت"، همان روش جاری و طریقه‌ای ثابت است که فراگیر شده و به قانون تبدیل شده است که اکثریت از آن پیروی می‌کنند (سیدنژاد و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۲). برخی ویژگی‌های سنت‌های الهی عبارت است از: ۱. شمول و گستردگی (عمومیت) (الأحزاب: ۳۸)؛ ۲. عدم تبدیل و تحویل ناپذیری (فاطر: ۴۳)؛ ۳. عدم منافات با اراده انسان؛ ۴. اجتماعی بودن (الأعراف: ۹۶)؛ ۵. این جهانی بودن (الکهف: ۵۹)؛ ۶. صلاح‌اندیشی (اعراف: ۱۷۸) (حامد مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۶-۱۴).

سنت‌های الهی به دو بخش تقسیم می‌شوند: **الف) سنت‌های بالقوه**؛ که تحقق آن به اراده، افکار و انگیزه‌های انسان بستگی دارد. (حاکمیت آن مشروط به شرط یا شروطی است). **ب) سنت‌های بالفعل**؛ که تحقق خارجی دارند و اراده، اعمال و افکار انسان در حاکمیت آن نقش ندارد و مشروط به شرط یا شروطی نیست. مانند سنت‌های هدایت تکوینی، پاداش و کیفر، آزادی شیطان در اغواگری، غلبه اراده الهی و... (سهراب پور، ۱۳۷۹، ص ۹). سنت‌های بالقوه بر دو دسته قابل تقسیم هستند: ۱. **سنت‌های مقید و مشروط مخصوص "اهل حق"**، مانند: "زیادت نعمت‌های معنوی و اخروی" (مریم: ۷۶، محمد: ۱۷)، "تحبيب و تزئین ایمان" (الحجرات: ۷)، "زیادت نعمت‌های مادی و دنیوی" (الأعراف: ۹۶، المائدة: ۶۶)، "نصرت و معیت الهی" (محمد: ۷)؛ ۲. **سنت‌های مقید و مشروط مخصوص "اهل باطل"**، مانند: "زیادت ضلالت" (الصف: ۵، للروم: ۱۰)، "تزئین اعمال" (المنمل: ۴، للبقره: ۲۱۲، یونس: ۱۲)، "املاء و استدرج" (الأعراف: ۱۸۲-۱۸۳، آل عمران: ۱۷۸)، "امهال" (النحل: ۶۱، فاطر: ۴۵)، "ابتلا به مصلب" (الرعد: ۳۱)، "تسلط مجرمان و مترفان" (الأنعام: ۱۲۴-۱۲۵)، "الإسراء" (۱۶)، "استیصال" (الأنعام: ۶، آل عمران: ۱۳۷) و "شکست از حق" (الفتح: ۲۲-۲۳، الصف: ۱۴) (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۳۷-۴۵۸). سنت‌های الهی درنگاهی دیگر به

سنّت‌های "تکوینی و تشریحی"، "دنیوی و اخروی"، "مطلق و مقید"، "عام و خاص" نیز تقسیم می‌شوند (سیدنژاد و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۲).

## ۶. کارکرد "طرح‌واره تصویری" در گستره آیات "استکبار"

یکی از ویژگی‌هایی که در روش‌های بیانی قرآن کریم نمود بارزی دارد، عینی کردن مفاهیم عقلی و ذهنی، حیات بخشیدن به الفاظ و ترسیم حوادث در صحنه‌هایی بدیع است. فرآیند شناخت در ذهن بر اساس، طرح‌واره‌ها استوار است که مانند یک شبکه فراهم آمده از ساختارهای آگاهی و دانش، نحوه فعالیت ذهن را تعیین می‌کند. این طرح‌واره‌ها اساساً زمینه‌ای است که برای معنی بخشیدن به تجربه‌ها، قوانین تکوینی و تشریحی و اعمال انسان، ارتباط وجودی و رابطه علی-معلولی برقرار می‌کند؛ زیرا نظام عالم، نظام کنش و واکنش است و جریان علیت در همه شئون هستی برقرار است. طیف وسیع آیات "استکبار" (حدود ۶۰ آیه) در نظام زبانی قرآن بر نقش برجسته آن در نظام زندگی بشر با بار منفی تأکید دارد. این نقش زمینه‌ساز مفسد و انحراف‌هایی است که منجر به جریان سنّت‌های الهی مربوط به آن می‌گردد. بنابراین، ضرورت دارد ماهیت عناصری بازشناسی مفهومی شوند که شیوه تصویرسازی "استکبار" را تشکیل می‌دهند. در رابطه با حوزه استکبار و سنّت‌های الهی مربوط به آن، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

### ۶-۱. سنّت "زیادت ضلالت" در باهم آیی "استکبار" و "جدال"؛ (طرح‌واره

حجمی-قدرتی)

خداوند بشر را بر فطرت توحیدی آفریده و زمینه هدایت همگان را فراهم نموده است. هر موجودی به صورت فطری می‌تواند به سوی کمال مطلوب خود حرکت کند (طه: ۵۰). لکن برخی افراد با ارتکاب گناه و معصیت خود را از آن محروم می‌سازند و به ضلالت و گمراهی مبتلا می‌شوند. جریان "هدایت" و "ضلالت" به عنوان مبنا و پایه اصلی سنّت‌های الهی است که در طول تاریخ در تمامی جوامع بشری جریان دارد (حامد مقدم، ۱۳۸۷، ص ۵۰). انگیزه‌ها و خصلت‌های درونی انسان‌ها، عامل اثرگذار در مجموعه رفتارها و شکل دهنده چگونگی آنها است. تکبر و خودبرتربینی، موجب پافشاری بر راه باطل، تردید در حق و

زمینه ساز ستیزه‌جویی و جدال در آیات الهی است و انسان را به وادی ضلالت سوق می‌دهد. آیات زیر به عنوان نمونه ذکر می‌گردد:

۱. «...كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ \* لِلَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ» (غافر: ۳۵-۳۴)

در این آیات، پس از بیان حق‌ناپذیری و ایمان‌نیابردن مردم مصر در عصر موسی (علیه السلام)، به توصیف انسان‌های "مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ" پرداخته‌است؛ افرادی که از حدّ خود تجاوز کرده و بدون دلیل روشن (عقلی یا نقلی) در مورد آیات الهی مجادله می‌کنند و به وسوسه‌گری، شبهه‌انگیزی و تردیدآفرینی می‌پردازند. اعراض از حق و پیروی از هوای نفس موجب جایگزینی شک و تردید در دل می‌شود. چنین کسی آیات خدا را در صورتی که با مقتضای هوای نفسش مخالف باشد، بدون هیچ برهانی ردّ می‌کند و برای ردّ آن، به باطل جدال می‌نماید؛ بدین‌سان خداوند بر دل آنان مهر می‌نهد. در این آیه می‌توان طرح‌واره حجمی «قلب، ظرف است» را به تصویر کشید. مفهوم انتزاعی "دل و قلب" در همه استعاره‌های مفهومی از طریق مفاهیم عینی، قابل درک می‌شود. "قلب" انسان متکبر و ستمگر ظرف لجاجت و شک و تردید است و مهر نهادن بر آن نشانگر نفوذناپذیری قلب نسبت به هر گونه هدایتی است. طبع قلب، سیاهی دل و قساوت قلب است. بر اثر تکبر و گناه، فکر انسان در پرده‌ای تاریک محصور شده و حس تشخیص و فهم کور می‌شود. روح و قلب همانند ظرفی دربسته و مهر شده می‌شود که محتوای فاسد آن بیرون نمی‌رود و حق در آن نفوذ نمی‌کند. موارد استعمال واژه "قلب" در آیات، دامنه گسترده‌ای برای مفهوم این واژه در مقوله ادراک (الإسراء: ۴۶)، انفعال و احساس (آل عمران: ۱۵۹) و فعل و عمل (البقرة: ۲۵۵) آشکار می‌سازد. چنان‌که می‌تواند منشأ سقوط و ردائیل انسانی باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۴). نگاشت استعاره‌ای «کبر، نیرو است». تکبر را مانند **نیروی قوی زمینه‌ساز وسوق‌دهنده** به سوی مواردی مانند "جدال به باطل" و موضع‌گیری بی‌دلیل در برابر آیات الهی به تصویر می‌کشد که موجب گمراهی مجادله‌کنندگان و اسباب ضلالت دیگران است؛ نور حق را در محیط خاموش می‌کند و پایه‌های حاکمیت باطل را

محکم می‌سازد. این افراد مبعوض خدا و مؤمنان هستند «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا». بنابراین سنّت الهی در رابطه با این افراد در قلب خشم نسبت به آنها ظهور می‌یابد. کاربست واژه "مقت" که برشدیدترین نوع بغض دلالت دارد؛ متضمن تنفر شدید است. در نهایت مهربانان خدا بر قلب آنها و رهاشدن در وادی ضلالت سرنوشتی است که در انتظار آنهاست و ثمره‌ای جز ازدیاد ضلالت و گمراهی ایشان در پی ندارد.

۲. «إِنَّ الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (غافر: ۵۶)

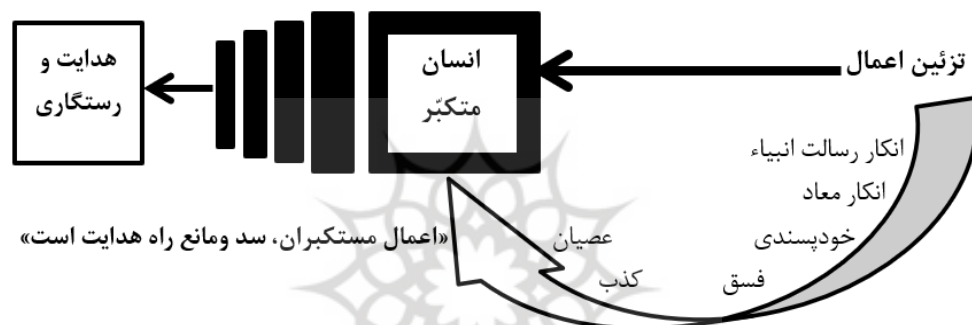
در آیه فوق نیز، کبر و خودبرتربینی، عامل جدال و ستیزه‌جویی کافران و مشرکان با آیات الهی و پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیان شده است. خداوند در صدد دل‌داری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ایمان‌آوردن‌گان اندک آن حضرت در مکه است و حاصل آن جریان یافتن سنّت الهی در خصوص این افراد است؛ یعنی این مجادلان به آرزوی خود نمی‌رسند، و هرگز نخواهند رسید. برگشت ضمیر در "ببالغیه" به کبر، به اعتبار سببی است که موجب آن است؛ زیرا کبر و خودمحوری سبب جدال است که با آن، حق و آورنده دعوت حق را سرکوب می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۳۴۲). در این آیه نیز اشاره به قلب (صدر) به عنوان ظرفِ غرور قابل توجه است.



شکل (۱): طرح‌واره حجمی-قدرتی

۲-۶. سنّت "تسویل و تزئین" در باهم‌آیی "استکبار" و "زینت اعمال"؛  
(طرح‌واره حجمی-قدرتی)

یکی از مهم‌ترین سنت‌های الهی که نقش اساسی در ضلالت انسان دارد؛ سنت "تسویل یا تزئین اعمال" است که یکی از عقوبت‌های باطنی برای انسان‌های گمراه و باطل‌گراست. واژه "تسویل" مصدر "سول" به معنای جلوه‌دادن چیزی که نفس آدمی بر آن حریص است، به گونه‌ای که زشتی‌ها نیز در نظر زیبا می‌شود (راغب‌اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۴۷۳). در برخی آیات، عمل تزئین بدون ذکر فاعل و مجهول آمده است (الأنعام: ۱۲۲) و گاهی به شیطان (النحل: ۶۳) و یا به نفس انسان (یوسف: ۱۸) نسبت داده می‌شود.



شکل (۲): طرح‌واره حجمی-قدرتی

کارکرد تزئین ظاهری اعمال، تصویرسازی سدی است که در مسیر هدایت مستکبران ایجاد و به سرگردانی آنان منجر می‌شود. بنابراین، مفهوم استعاری «اعمال مستکبران، سد و مانع راه هدایت است» استنباط می‌شود که به دنبال آن استعاره‌های دیگری همانند «گناه و کفر سد راه هستند» بدست می‌آید؛ زیرا شیطان مانع اصلی انحراف از راه مستقیم است؛ گناه تکبر، کفر، شرک و... ناشی از وسوسه‌های شیطانی است و برای تبیین مفهوم انتزاعی نرسیدن به هدایت و رستگاری، طرح‌واره نیرو یا قدرت را در ذهن ایجاد می‌نماید. این خصیصه منفی اخلاقی در نگرگاه قرآن در قالب طرح‌واره تصویری «به‌مثابه شیء و ظرفی تزئین شده» به نمایش درآمده است. انکار معاد زمینه جلوه‌گری زشتی‌ها و از عوامل زمینه‌ساز تکبر و خودپسندی در میان انسان‌هاست (النمل: ۴). افراد بی‌ایمان، مغرور و سرخوش از کردارهای زشت خود هستند و با توجه به این که زشتی و زیبایی عمل تعبیری

ذهنی اند و در حجم نمی‌گنجند. در قرآن، سرخوشی مستکبران و کافران مغرور نسبت به اعمال ناپسندشان با استعمال "تزیینات" مفهوم‌سازی شده است؛ زیرا زینت کردن و آراستن درباره اشیا صورت می‌پذیرد که قابل دیدن هستند و فضایی را اشغال می‌کنند. بنابراین، مطابق طرح‌وارهٔ حجمی، "عمل ناپسند" به عنوان ظرفی با فضایی سه‌بعدی جسمیت یافته که با زیورآلاتی مانند مال و فرزند و... مزین شده و مفهومی عینی و درک‌پذیر یافته است. غرق شدن کافران در زیبایی ظاهری کردارشان و پوشیده ماندن حقیقت اعمال بر آنها؛ به خوبی فضای بسته‌ای که در آن قرار گرفته‌اند را به تصویر می‌کشد.

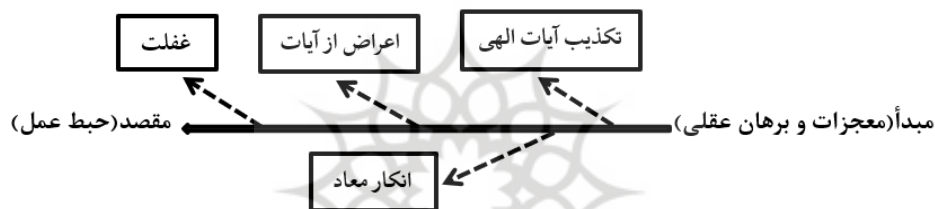
۳-۶. سُنَّتِ "مَحْرُومِيَّتِ" دَر "بَاهِمِ آيِي" "اَسْتِكْبَارِ" وَ "غَفْلَتِ": (طرح‌واره حجمی - حرکتی - قدرتی)

دوری از توفیقات و تفضلات الهی و محروم‌شدن از معرفت، بینش، نعمت‌های مادی و معنوی؛ نتیجه قرارگرفتن در مسیرگناه و استمرار آن است. "تکبر" یکی از گناهانی است که موجب انصراف قلب آدمی و عامل حرمان انسان از فهم آیات الهی و سلب توفیق حق‌پذیری است.

«سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي لِلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعُغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ\* وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الأعراف: ۱۴۶)

پس از بازگوشدن رفتار مستکبرانه فرعونیان با موسی (علیه السلام) و بنی اسرائیل مستضعف در آیات پیشین؛ محرومیت و رویگردانی متکبران از رحمت الهی مطرح می‌شود. خدای سبحان از طریق موسی (علیه السلام) نشانه‌های فراوان تکوینی (مانند عصا و ید بیضا) و تدوینی (برهان‌های عقلی) (طه: ۵۰) بر فرعونیان فرستاد؛ ولی آنان آیات الهی را دروغ شمرده و غفلت ورزیدند (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۳۰، ص ۳۲۹). نکاتی که در این آیه مورد توجه است عبارتند از:

**الف)** رویگردانی و انحراف متکبران از مسیر حق، به گونه‌ای که راه رشد و هدایت را نادیده انگاشته و طلب ضلالت و گمراهی‌اند. در قرآن کریم ارزش‌های منفی در مسیر وجهتی غی راز مسیر مستقیم مفهوم‌سازی شده‌اند. دین و معارف الهی، ارائه‌کننده راه رشد و هدایت و تأمین‌کننده سعادت انسانهاست. تکذیب آیات الهی و تغافل از آن، موجب نپذیرفتن راه رشد و تعالی و چنگ‌زدن به راه‌های ضلالت است. در مفهوم‌سازی شناختی در این قسمت، طرح‌واره حرکتی از مبدأ هدایت «سَبِيلَ الرُّشْدِ» به سمت مقصد «سَبِيلَ العَى» مشاهده می‌شود و "تکبر" به عنوان عامل اصلی با ساختار نیرو-پویایی، موجب انحراف از مسیر مستقیم و مانع‌گرایش به ایمان و انتخاب راه کمال بوده و زمینه‌ساز تمایل به گمراهی



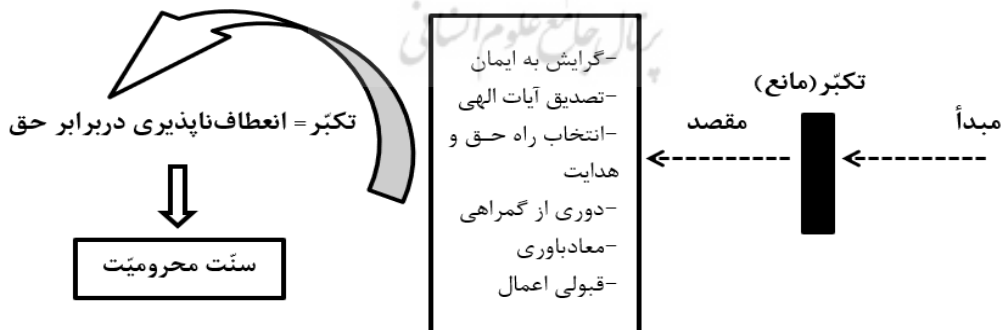
شکل (۳): طرح‌واره حرکتی - جهتی

است. این رذیله اخلاقی بر انحراف ظاهری و باطنی انسان دلالت دارد. نیروی اعمال شونده ناشی از قدرت کبر و استکبارورزی نسبت به آیات خدا، علاوه بر انحراف از مسیر حق را می‌توان در جهتی رو به پائین و سقوط انسان به سمت خسران ابدی ترسیم نمود. انسان متکبر به مرحله‌ای می‌رسد که سنت الهی در مورد وی جریان می‌یابد و از آیات الهی بازداشته می‌شود؛ یعنی توفیق هرگونه هدایت و راهیابی از او سلب می‌گردد، اصرار در سرکشی چنان در روح و فکر انسان اثر می‌کند که به موجودی انعطاف‌ناپذیر تبدیل می‌شود.

بر اساس این آیه، تعامل متقابل اثباتی و سلبی، میان دل‌های آدمیان و آیات الهی برقرار است. قلب طاهر که از آسیب سیئات نفسانی مصون است، توفیق‌گرایش به معارف و حیانی را می‌یابد و بر پلینه جمله «و ان یروا کُلَّ آیه لایؤمنوا بها» که مضمونش عموم سلب است؛ قلب رجزمدار رجس‌محور که گرفتار گزند رذائل روحی است، از معارف الهی گریزان

بوده و حکمت الهی نیز از فرود آمدن برچنین قلبی خودداری می‌کند (عذابی کیفری) (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰، ج ۳۰، ص ۳۳۱). درآیه فوق، تلفیقی از آمیختگی طرح‌واره‌های تصویری حجمی-حرکتی و قدرتی صورت پذیرفته‌است. تلفیق طرح‌واره‌ها قدرتمندترین سازوکار برای فراتر رفتن از نظام مفهومی بشر است که قدرت تحلیل شناختی را بالا می‌برند و درتصویرسازی شدت و میزان تکبر یاری‌رسان است. بافت و سیاق آیات نیز برآن تأکید دارد؛ جمله «وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا» عطف بر «یتکبرون» و بیانگر یکی از اوصاف متکبرین است که همان اصرار بر کفر و تکذیب می‌باشد. و در جمله «وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا» تمام خصوصیات که دراثبات دارد، در نفی تکرار شده‌است که شدت اعتنای متکبرین به مخالفت با «سبیل رشد» و پیروی از «سبیل بغی» را می‌رساند و بر انحراف عمدی ایشان دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۲۴۶).

۲. خداوند، متکبران را از درک آیات و معارف خویش باز می‌دارد. واژه «صرف» آنگاه که با «عن» متعدی شود، به معنای بازداشتن و مانع شدن است. بازداشتن از آیات الهی می‌تواند به معنای مانع شدن از فهم آیات و یا بازداری از ایمان به آیات و یا جلوگیری از ابطال و از میان بردن آنها باشد. در واکاوی شناختی این آیه، تکبر و خودبزرگ‌بینی، به‌مثابه مانعی قدرتمند زمینه‌آز دست‌دادن توان درک آیات و معارف الهی است؛ «تکبر، قدرت یا نیرو است.» و یا «تکبر، مانع است.»



شکل (۴): طرح‌واره حجمی-حرکتی-قدرتی



#### ۶-۴. سنت "استدراج" و "امهال" در باهم‌آیی "استکبار" و "مکر"؛ (طرح‌واره

حرکتی-پلکانی)

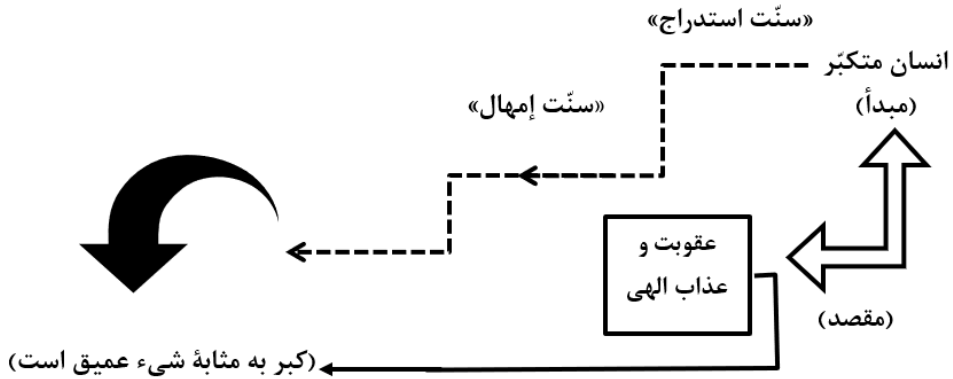
یکی از سنت‌های الهی که نوعی غافلگیری برخی ازبندگان است، "استدراج" نام دارد. واژه "استدراج" به معنای اندک‌اندک گام‌برداشتن (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۱؛ مرتضی‌زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۶۱)، حرکت یک شیء یا حرکت درضمن یک شیء (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۵)، مرگ وفنا (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۱۳) بوده که در همه کاربردهایش متضمن معنای تدریج و نوعی حرکت صعودی یا نزولی است. این واژه در قرآن به معنای فروکشیدن تدریجی افراد به سوی مقصد و سرانجامشان (ابن قتیبه، ۱۴۲۳ق، ص ۱۶۶) یا درهم پیچیدن زندگی‌شان از طریق اغفال آنها از یاد خداست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ق، ص ۳۱۱). اعطای نعمت و آسایش بیشتر در این فرایند نقشی اساسی دارد. سنت استدراج دو لایه کاملاً متفاوت دارد: ظاهری نیکو و عذابی باطنی که در پایان به ناگاه آشکار می‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۸۵)، از این رو درگفتمان قرآنی به آن "مکر" (آل عمران: ۵۴)، "خدعه" (النساء: ۱۴۲)، "کید" (الأعراف: ۱۸۳) و گاه "فتنه" (التوبة: ۴۹-۵۵) اطلاق شده است و ارتباط ویژه‌ای با روند رو به خسران طبیعت انسانی (العصر: ۱-۲) دارد. مفهوم هدایت و اتمام حجت در مسیر مقابله با این روند (التوبة: ۱۱۵) و همچنین با مفهوم "تکذیب" (القلم: ۴۴) پیوند دارد و به عنوان نمودهای مختلف تأثیرناپذیری از هدایت و گرایش به ادامه روند خسران مرتبط است. در قرآن کریم سنت استدراج ارتباط تنگاتنگی با "استکبار" دارد.

«... فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمُ الْإِنْفُورَ\* اسْتِكْبَاراً فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَبْهَلِهِ فَهَلْ يُنظَرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأُولِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلاً وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلاً». (فاطر: ۴۲-۴۳).

درآیه مذکور، نمود تکبر ورزیدن در زمین با واژه "مکر السیئ" همانندسازی شده است که مفهومی ذهنی و غیرعینی و از آثار آن است. فعل "یحیق" به معنای فروکشیدن است؛ در قالب شیئی دارای حجم تصویرسازی شده است که به صورت گودال و مردابی عمیق شخص متکبر را درخویش فروبرده و غرق می‌کند. با توجه به تجربه ذهنی انسان از

غرق شدن در گودال و چاه عمیق، طرح‌وارهٔ حجمی «کبر به مثابهٔ شیء عمیق است» ایجاد شده و واژهٔ غیرملموس "استکبار" مفهوم‌سازی و درک‌پذیر شده است. درحقیقت انسان متکبر درون ظرف یا مکانی احاطه شده است که نتیجه دوری از حق بوده، به گونه‌ای که هیچ راه فراری نمی‌یابد. در این آیه برای تبیین مفهوم «خواری و سرنگونی مستکبران» از تعبیر «لایحیق المکر السیئ الابأهله» و از باهم‌آیی "مکر السیئ" با فعل "یحیق" به روش تلفیق دو طرح‌واره حرکتی - حجمی استفاده شده است.

مهلت دادن به کافران و به تأخیر انداختن مجازات آنان، برخاسته از آگاهی دقیق خداوند به احوال و مصالح بندگان بوده و از سنّت‌های الهی است. سنّت "إمهال" پس از سنّت استدراج صورت می‌گیرد و مشابه آن است. در واقع هدف الهی از اجرای این سنّت، "آزمایش" بندگان است. در مفهوم "استدراج" کاربرد اصطلاح عینی (اندک‌اندک گام برداشتن) به حوزهٔ غیر عینی (حرکت آهسته و پیوسته) تسری یافته و واژهٔ انتزاعی "تدریجی"، مفهوم‌سازی و به ایجاد طرح‌وارهٔ «عذاب و هلاکت به مثابه حرکت پلکانی است» منجر شده است. وجه معنایی "حرکت پلکانی" برای مفهوم معنایی عبارت "سنستدرجهم" از نظر مبالغه است. «اندک‌اندک گام برداشتن» یک حرکت عینی است که در حوزهٔ تجربهٔ زندگی روزمرهٔ انسان قرار گرفته و به صورت مکرر با آن در ارتباط و تعامل است. این خصوصیت بدن‌مند انسان باعث شکل‌گیری طرح‌وارهٔ حرکتی شده است؛ زیرا معنای ضمنی آیه نشان‌دهندهٔ حرکتی است که در یک فاصلهٔ زمانی بسیار طولانی صورت گرفته و با توجه به اینکه حرکت پلکانی و نزولی غیرمستقیم مستکبران به سمت هلاکت و عذاب برخلاف ظاهر نیکوی متنعم‌بودن آنها از فزونی نعمات، یکی از مقوله‌هایی است که درسنّت الهی استدراج استعمال می‌شود و در طرح‌وارهٔ حرکتی جای می‌گیرد. این آیه علاوه بر داشتن طرح‌وارهٔ حرکتی، در سطحی بالاتر، طرحی از قدرت خداوند را متذکر می‌شود.



شکل (۵): طرح‌واره حرکتی - پلکانی

## ۶-۵. سنت "واگذاری به خویش" و سنت "پاداش و کیفر" در

باهم‌آیی "استکبار" و "استنکاف"؛ (طرح‌واره این‌همانی-وجود)

براساس سنت "پاداش و کیفر" که لازمه عدل و حکمت الهی است؛ خدای تعالی در سرای آخرت، پاداش و کیفر اعمال و کردار آدمی را می‌دهد؛

«لَنْ يَسْتَنْكَفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكَفَ عَنِ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا\* فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (النساء: ۱۷۲-۱۷۳).

آیه مذکور، بر تهدید مستکبران و امتناع‌کنندگان از بندگی خداوند به احضار در پیشگاه الهی برای حسابرسی اعمال و مجازات دلالت دارد. سرپیچی از بندگی و عبادت از سر تکبر و خودبرتربینی، در پی دارنده مجازات‌های الهی است (غافر: ۶۰). دستیابی به پاداش و فضل الهی در قیامت نیز نتیجه همراهی ایمان به وحدانیت خدا و انجام اعمال صالح است. در این آیات باهم‌آیی "استنکاف" و "استکبار" قابل توجه است. برخی این دو واژه را، دو مفهوم هم‌عرض و هم‌سان معرفی نموده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۴۰). به معنای امتناع و منقبض شدن از روی حمیت و تعصب نیز آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۷۹). بنابراین "استنکاف از عبادت"

به معنای "تأنف" یعنی دور شدن، کنار کشیدن، سرپیچی از بندگی و بی توجه بودن به آن است که ریشه در عواملی از قبیل جهل، نادانی، سستی، تنبلی و... دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، ص ۲۷۳-۲۷۴). مفهوم گسترده "استنکاف" با ذکر جمله "استکبروا" محدود شده و اشاره به استنکافی دارد که سرچشمه آن کبر و غرور است و خشم و غضب الهی را به دنبال دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۱۵۱). با توجه به این آیه، استعاره «اعمال مستکبران، سد و مانع راه هدایت است» استنباط می شود که به دنبال آن استعاره های دیگری همچون «تأنف و سرپیچی از بندگی با امتناع همراه با لجاجت و طغیان سد راه هستند» به دست می آید؛ زیرا استکبار، مانع اصلی انحراف آنها از راه مستقیم است و بقیه موارد مثل گناه، کفر، شرک و... ناشی از استنکافی است که سرچشمه آن کبر و غرور است و برای تبیین مفهوم انتزاعی نرسیدن به هدایت و رستگاری، طرح واژه "قدرتی" را در ذهن ایجاد می کند. موانع پیمودن مسیر هدایت، با طرح واژه "انسداد" نمایش داده شده است. "انسداد" در تجربه بشر توسط یک شیء صورت می گیرد و در زبان قرآن توسط مفاهیم انتزاعی. زبان قرآن با مادی سازی مفاهیم انتزاعی از باهم آبی استنکاف ناشی از استکبار با کفر، ظلم، تکبر، ریا، دنیاپرستی و... به شکل سد و مانعی مواجه است که نتیجه پیروی از امیال نفسانی و به عنوان مهم ترین علت اضلال و گمراهی انسان از هدایت الهی است. این موانع از پیش رو به انسان نیرو وارد کرده و مانع حرکت در مسیر حق است. طرح واژه نیروی انسداد در مفهوم سازی استکبار از بسامد بالای برخوردار است. در قرآن پذیرش هدایت الهی توسط انسان بر اساس استعاره «بندگی خدا، قرارداد شدن در یک مسیر است» تصویر سازی شده است. ایجاد مانع در مسیر به گونه ای است که متحرک مسیر هدایت را وادار به انحراف از آن می کند و در مواردی ایجاد مانع توسط این خصیصه، با بسامد حداکثری تأثیر در تمامی ابعاد وجودی انسان، به سدی محکم و غیر قابل نفوذ تبدیل خواهد شد.

بنابر سنت "واگذاری به خویش"؛ همان گونه که بنده ای در مسیر تقوا و خداپرستی قرار گرفت، خداوند ولی و سرپرست او می شود (البقرة: ۲۵۷). به عکس، اگر بنده ای در خط لجاجت و طغیان قرار گرفت و قابلیت بازگشت را از خود سلب نمود، خداوند او را از زیر چتر

حمایت و ولایت خویش خارج و به خود واگذار می‌کند. این بزرگترین بلایی است که از سوی خداوند شامل بنده می‌شود (الحشر: ۱۹) و حتی این واگذاری به خود در آخرت نیز نمود پیدا کرده و شخص متکبر مجازات دردناکی خواهد داشت. اصرار بر استنکاف و بی‌اعتنایی به دعوت فرستادگان الهی با طرح‌واره نیرو-پویایی در عدم شنوایی از رهبران الهی به عنوان بزرگترین مانع و فشار به «مثابه پشت کردن» است. و با طرح‌واره حرکتی - جهتی، مسیر حرکت معاندان «به عقب برگشتن» تصویرسازی شده است (المؤمنون: ۶۶-۶۷). در این آیات بر اساس ترکیب طرح‌واره حرکتی - جهتی مفهوم انتزاعی «بی‌اعتنایی به دعوت پیامبر» با امر محسوس «به عقب برگشتن و پشت کردن» عینی و ملموس شده است. پشت‌کنندگان در این آیه، انسان‌هایی هستند که به سبب غلبه "استکبار" بر قلب‌شان، سخن حق را نمی‌شنوند و ضمن بازگشت به قهقرا، متکبرانه آن را انکار می‌کنند. بر اساس سنت الهی ظرف حقیقی عقاب و ثواب، آخرت است؛ لکن رذائلی مانند استکبار آنچنان تأثیرات شومی دارد که خداوند در همین دنیا به صاحبان آن مهلت نداده و آنان را به عقوبت دنیوی گرفتاری سازد. مستکبرین در دنیا هر لحظه در معرض انتقام شدید الهی و در آخرت هم سخت‌ترین عذاب‌ها مخصوص ایشان است.

بر اساس سنت "پاداش و کیفر" خداوند روز قیامت کسانی را که مستنکفانه و مستکبرانه از بندگی پروردگارشان خودداری ورزند، به صحنه محشر می‌آورد و در برابر اعمال‌شان کیفر می‌دهد (النحل: ۲۹) و پس از ورود به جهنم، دچار خواری و ذلت خواهند شد (المؤمنون: ۱۰۴). «شعله‌های سوزان آتش همچون شمشیر به صورت‌هایشان نواخته می‌شود؛ و در دوزخ چهره‌ای عبوس دارند»، «خواری و ذلت مستکبران به مثابه صورت سوخته است». واژه "لفح" و "نفح" به یک معناست، با این تفاوت که "لفح" تأثیر بیشتری دارد و مسمومیت جلدی است که پوست صورت را خراب می‌کند، ولی "نفح" باد شدیدی است که پوست صورت را اذیت کند. کاریست فعل مضارع "تَلْفَحُ"، بیانگر هجوم پی‌درپی شعله‌های آتش دوزخ می‌باشد. واژه "کالح" از "کلوح" است که به معنای جمع شدن و خشکیدن لبهاست؛ به طوری که دیگر نتواند دندان‌ها را بپوشاند و کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است. از آنجایی که چهره و صورت انسان یکی از مظاهر

عزت و ذلت است، بسط‌های مجازی و استعاره‌ی درباره‌ی آن از واقعیت‌های بیولوژیکی این عضو بدن ناشی می‌شود. در آیه‌ی مذکور، "صورت" به عنوان بالاترین عضو بدن از نظر جایگاه، جهت مفهوم‌سازی "نهایت ذلت و خواری" مستکبران به شیوه‌ی طرح‌واره‌ی "این‌همانی"؛ از قبیل "تطبیق و مقایسه" با سر گوسفندی است که روی آتش قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۶۹) و براساس طرح‌واره‌ی "وجود"؛ از قبیل "فرایند تغییر چهره" و "از بین بردن و سوختن" نمودیافته است. همسانی بین "ذلت و خواری" و "شدت سوختگی سر و صورت" بوجود آمده است؛ این همانندسازی متناسب با مقتضای حال مستکبران است. در نتیجه خداوند جهت مفهوم‌سازی "خواری و سرنگونی مستکبران" از تعبیر "تَلْفُحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ" و باهم‌آیی فعل "تلفح" با "کاللون" توسط دو طرح‌واره‌ی "این‌همانی" و "وجود" استفاده کرده است و در توصیف عذاب سختی که دامنگیر مستکبران ستمگر شد، از تعبیر کنایی "فروریختن تازیانه عذاب" استفاده می‌کند (الفجر: ۱۳). بنابراین ایمان به قیامت و حضور در پیشگاه الهی، مطالعه فرجام شوم مستکبران از سنّت‌های الهی است که باید از آن عبرت گرفت تا مانع استکبار و استنکاف از عبادت شود.

## ۶-۶. سنّت "استیصال" و "عبرت‌آموزی" در باهم‌آیی "استکبار" و "قدرت

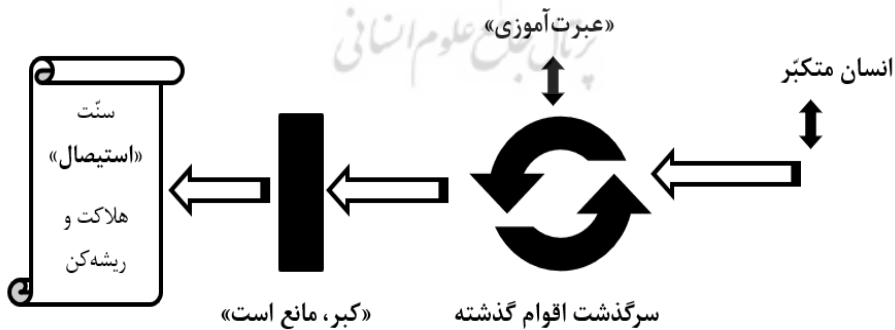
الهی"؛ (طرح‌واره حرکتی - چرخشی)

از جمله سنّت‌های اجتماعی خداوند در عقوبت جوامع فاسدی که به آنها مهلت داده شده است، هلاکت و نابودی آنان و پاک‌ساختن زمین از وجود آنهاست. فرو رفتن اهل باطل در کفر، انکار، فسق و فجور به گونه‌ای که حکمت بالغه الهی بیش از این مقتضای امهال آنان و تأخیر عقوبت و عذابشان نباشد، نوبت سنّت "استیصال" (ریشه‌کنی و براندازی) است. در بسیاری از آیات، داستان اقوام و جوامع پیشین ذکر شده است که به عذاب استیصال دچار شده‌اند: (قوم نوح، هود، لوط و...). اتمام حجت شرط اساسی عقوبت و دچار شدن به عذاب استیصال است. خداوند در آیات مختلف، انسان‌ها را به جهت عبرت‌آموزی، به مطالعه و شناخت سرنوشت امت‌های پیشین و چگونگی جریان سنّت‌های

الهی درمیان آن‌ها دعوت نموده‌است و همگان را به سیر و سیاحت در زمین به منظور آگاهی از سرانجام تکذیب‌کنندگان مستکبر فراخوانده است. به دنبال آیه گذشته (فاطر: ۴۳)، خدای تعالی برای آشناسدن با سنت‌های الهی در تاریخ استکبار، می‌فرماید: «...اَسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ... \*أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا». (فاطر: ۴۳-۴۴).

درآیات دیگری نیز لزوم سیر و سفر در زمین برای آگاهی از عاقبت کفرپیشگان مطرح شده‌است (محمد: ۱۰-۱۱)، (آل عمران: ۱۳۷)، (الحج: ۴۶). قرآن مجید دوران‌های گذشته را با زمان حاضر پیوند داده و پیوند فکری-فرهنگی نسل حاضر را با گذشتگان برای درک حقایق ضروری می‌داند، زیرا با ارتباط و گره خوردن این دو زمان وظیفه و مسئولیت آیندگان روشن می‌شود. بنابراین مراد از گردش بر روی زمین، تنها سیر و سفر نیست، بلکه مطلق شناخت احوال گذشتگان، از هر راهی که امکان‌پذیر باشد (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۶۳). باتوجه به کاربست حرف جرّ "فی" به جای "علی" و باتوجه به کروی بودن زمین در تجربه ذهنی انسان، سیر در زمین حرکت چرخشی را در ذهن مخاطب تداعی می‌نماید، لذا بیان شد: درمیان زمین سیرکنید تا علاوه بر مفهوم گردش بر روی زمین، به بالابردن دقت و توجه انسان‌ها در اتفاقات و رخداد‌های زمینی متذکر شود و سرگذشت تکذیب‌کنندگان آشکار گردد؛ زیرا با گردش صرف بر روی زمین، عبرت‌بودن سرگذشت آنان معلوم نمی‌گردد (توکل‌نیا، حسومی، ۱۳۹۵، ص ۶۶). از جمله مفاهیم انتزاعی که از نگاه قرآن در این طرح‌واره جای می‌گیرد؛ توانایی ذهنی انسان «تفکر، تدبر، آگاهی» و هدایت‌پذیری است که توسط دو حس بینایی یا شنوایی به عنوان حوزه‌های مبدا، مفهوم‌سازی می‌شوند؛ یعنی انسان از طریق چشم‌ها، گوش‌ها و قلب، دانش و اطلاعات را کسب می‌نماید. بدین ترتیب دیدن و شنیدن، متناظر با توانایی شناخت و آگاهی است. سیر در زمین چه بسا آدمی را به تفکر و عبرت‌گیری وادار می‌کند و در این جستجو به دلیل هلاکت لئان پی‌می‌برد (شرک به خدا، اعراض از آیات او، استکبار درمقابل حق و تکذیب رسولان)، سپس صاحب قلبی می‌شود که با آن تعقل می‌کند و مانع از شرک و کفر می‌شود. علامه درتفسیر

آیه «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (الحج: ۴۶) می گوید سینه‌ها را جایگاه قلب خوانده و عقل را به قلب نسبت داده در حالی که عقل از آن نفس است. ایشان در تفسیر آیه از استعاره بدن (اندام‌وارگی) یا طرح‌واره تجسیم‌بخشی به امر انتزاعی عقل بهره جسته است. یعنی بدن آدمی حوزه مفهومی مبدأ محسوب می‌شود و قلب را دارای چشم و عقل دانسته که چشم دل فرد مستکبر و تکذیب‌کننده آیات کور و قوه عاقله‌اش از کار افتاده است. در این نگاشت طرح‌واره "توانایی" مشاهده می‌شود که یکی از انواع طرح‌واره "نیرو" است. یعنی فرد متکبر به دلیل نداشتن نیروی بازدارنده‌ی هدایتی و دور شدن از مسیر توحیدی، توانایی ارتکاب به سایر ردائل را نیز خواهد داشت. به همین جهت "کبر" را می‌توان ریشه و منشأ سایر گناهان دانست. طرح‌واره "نیرو" به همراه طرح‌واره "مسیر" در زیرساخت استعاره ساختاری-حرکتی قرار دارد. در زبان قرآن طرح‌واره "نیرو" پیامدهای بسیاری جهت درک استعاره‌های اخلاقی به دنبال دارد. در آیات ذکر شده طرح‌واره مکانی-حرکتی، و طرح‌واره چرخشی (دوری) قابل ملاحظه است که از اقسام طرح‌واره حرکتی است. جانسون این طرح‌واره را به دو دسته "طبیعی" (الأنبياء: ۳۳)، مانند شب و روز، فصل‌ها، دوره عمر و حرکت فطرتی مستمر و تکراری تمامی پدیده‌های جهان مادی، و "چرخه قراردادی"، مانند ساعات شبانه‌روز، هفته‌ها و ماه‌ها تقسیم نموده است (جانسون، ۱۹۸۷، م، ص ۱۲۱).



شکل (۶): طرح‌واره حرکتی-چرخشی



طرح‌واره چرخشی در هر یک از دو صورت خود، یکی از اصلی‌ترین الگوها برای مفهوم زمان است؛ به گونه‌ای که هر چرخه دایره‌ای زمان‌مند است؛ از نقطه‌ای شروع و از طریق توالی وقایع مرتبط به پیش‌می‌رود و سرانجام در همان نقطه شروع به پایان می‌رسد تا دوباره چرخه بعدی را شروع کند. درحقیقت تجربه توالی رویدادها در جهان هستی را اساس کار خود قرار می‌دهد. بنابراین، مراد از طرح‌واره‌های چرخشی، حرکت‌های دایره‌واری است که در تجربیات روزانه مشاهده می‌شوند (بـاقری خلیلی، محرابی کالی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹-۱۳۰). از این‌رو، با غور و بررسی در سرنوشت هلاکت‌بار مستکبران و مترفان مجرم، این حقیقت را درمی‌یابند که بر آنها، هیچ‌گونه تنبه و ندامت و توبه‌ای حاصل نشد و امیدی به بازگشت نماند، تا این‌که اهل باطل مستحق ریشه‌کن شدن (استیصال) گشتند و اصل و ریشه آنان خشکانیده می‌شود (الإسراء: ۱۶).

#### ۶-۷. سنّت اخروی "بازتاب اعمال" در باهم‌آیی "استکبار" و "کذب"؛

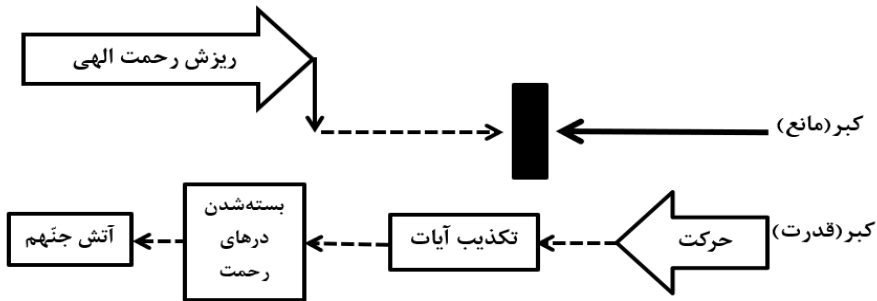
(طرح‌واره حجمی - حرکتی - قدرتی)

در سوره اعراف پس از بیان فرجام مستکبران و تکذیب‌کنندگان آیات الهی و منکران رسالت انبیاء، با ترسیم و تشبیه معانی ذهنی به صورت یک امر محال حسی، ورود آنان به بهشت بر امری محال تعلیق شده است که گذر شتر یا ریسمان از ته سوزن می‌باشد و کنایه از عدم ورود این افراد به بهشت، جهت مبالغه و تأکید سخن با بیان امری مستحیل یاد شد (مؤدب، ۱۳۷۹، ص ۱۶۴).

«وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ\*... إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ\* لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ» (الأعراف: ۳۶-۴۱).

معنای ذهنی در این آیه، غیرممکن بودن ورود کافران به بهشت است، اما این معنی به طور مستقیم عرضه نمی‌شود بلکه تصویر خیالی با ساختی هنری و اعجاب‌انگیز آن را منتقل می‌نماید. ذهن تلاش‌های مکرر و نافرجام شتر ناامید را در خیال می‌پرورد

(راغب، ۱۳۸۷، ص ۴۹). با تأمل در این آیه، نگاشت استعاره «تکبر، مانع است» مورد توجه است. با هم‌آیی "کبر" و "کذب" در این آیات نشانگر آن است که تکذیب عملی آیات ریشه در تکبر دارد که امر درونی و قلبی است؛ «بَلَىٰ قَدْ جَاءَ تَكْذِبَاتٍ يَأْتِي فِكْذِبْتِ بِهَا وَاسْتَكْبَرَتْ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ\* وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةً أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ» (الزمر: ۵۹-۶۰). بنا بر این آیات ریشه اصلی کفر و تکذیب آیات الهی همان "کبر" است، به همین دلیل جایگاه متکبران جز آتش سوزان جهنم نمی‌باشد؛ کفر برخاسته از خودبرتربینی و بزرگ‌منشی، عامل اصلی عذاب الهی است. خداوند حکیم با ایجاد این طرح‌واره یادآور می‌شود "کبر" همانند سدی قوی و محکم، مانع پذیرش رحمت‌های الهی خواهد شد. چنانچه جمله «لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ» بیان محرومیتی باشد که در دنیا دامنگیر تکذیب‌کنندگان می‌شود، گشوده‌نشدن درهای آسمان برای آنان، کنایه از شامل نشدن رحمت‌های خاص الهی است. کلمه "سما" اشاره به آن دارد که گنجینه آن رحمت‌ها در جایگاهی فراتر از عالم ماده است. آسمان به عنوان فضایی که دارای حجم است و مکانی برای رحمت الهی در نظر گرفته شده است. «آسمان، ظرف است» و باران رحمت الهی از آن مقام رفیع و بلند به سوی افراد با ایمان سرازیر می‌شود. با ایجاد طرح‌واره حرکتی عمودی از بالا به پایین، که به نحوی با مسیر آغاز ریزش رحمت الهی نیز در ارتباط است و زمانی که رحمت فیض الهی در آغاز مسیر خویش با مانع غیرقابل نفوذ "کبر" و "تکذیب" روبرو می‌گردد؛ این ریزش رحمت برای افراد متکبر غیرممکن بوده و هیچ روزنه‌ای برای دریافت آن، مورد تصویر نیست که نشانگر نهایت خشم خداوند نسبت به تکذیب‌کنندگان آیات است. عدم کاربست این تصویرسازی استعاره‌ای مانع از ظهور این معنی به ذهن خواننده می‌گردد.



شکل (۷): طرح‌واره حجمی-حرکتی-تکبری

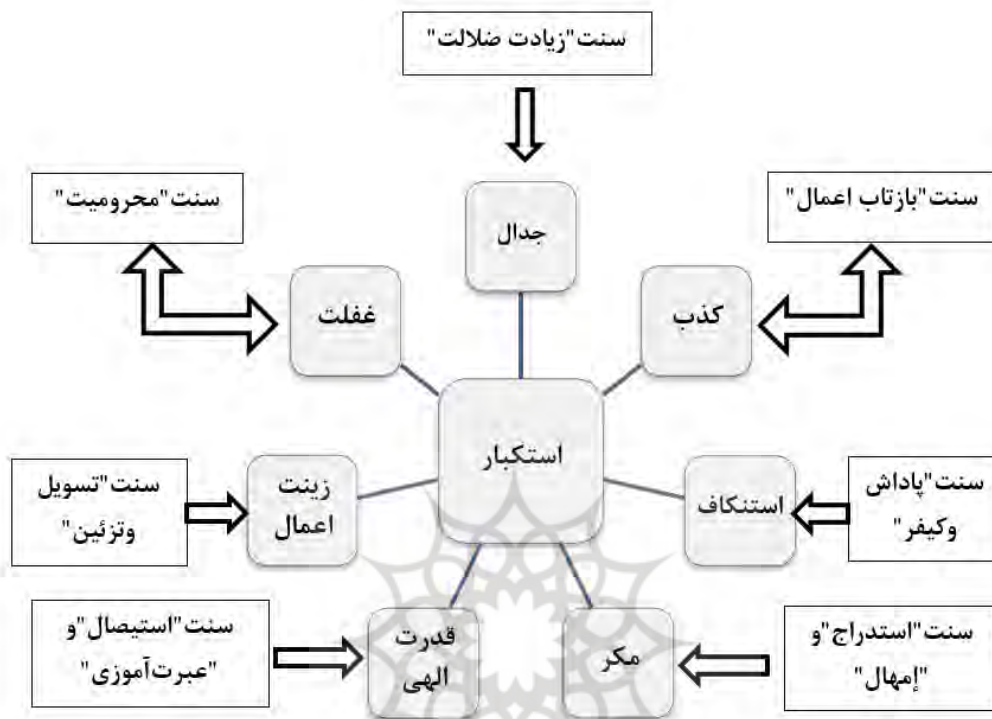
بسته‌شدن درهای آسمان، اعراض از آیات قرآن و تکبر به آن؛ با طرح‌واره قدرتی «تکبر، مانع است.» قابل مشاهده است. تکبر همانند سدی مستحکم مانع رسیدن رحمت الهی به مستکبران می‌شود. تلفیق مفهومی این طرح‌واره‌ها که متشکل از آمیختگی سه طرح‌واره حجمی-قدرتی و حرکتی است بیانگر شدت غلبه کبر بر کافران می‌باشد. اعراض و امتناع از پذیرش آیات الهی بر اثر کبرورزی و خودبرتربینی در پی دارنده آتش دوزخ است؛ «برای آنان از جهنم بستری و بر بالایشان پوشش‌هایی [از آتش] است، و مستمکاران را این گونه سزای دهیم.» تصویرسازی جهنم در قالب مفهومی استعاری بیان شده است؛ «جهنم، ظرف است.» و مجرمان در احاطه آتش دوزخ، از زیرپا و فراز سر، به گونه‌ای که بیانگر محیطی بسته و خفقان‌زا برای مجرمان متکبر است. جمع آوردن "غواش" و مقید کردن آن به "مِنْ فَوْقِهِمْ" حکایت از برداشت فوق دارد. "مهاده" به معنای بسترگسترده است و "غواش" (جمع غاشیه) به معنی ساتر و روان‌داز، عطف بر "مهاده" است و "مِنْ فَوْقِهِمْ" حال برای آن؛ «لهم من جهنم غواش من فوقهم». به تصویر کشیدن چنین فضایی برای متکبران و تکذیب‌کنندگان آیات الهی، احاطه‌شدن در آتشی که با پرده‌های چندلایه پوشیده شده است؛ بیانگر میزان و شدت غضب الهی نسبت به آنها و در پی دارنده سنت الهی محروم کردن مجرمان از رحمت خویش در قیامت است. سنت مایوس‌شدن مستکبران از وارد شدن به بهشت، یکی از سنت‌های آخرتی خداوند متعال است. بنابراین ورود تکذیب‌کنندگان و مستکبران به بهشت، مخالف سنت‌های خداوند در نظام آفرینش است.

## • نتیجه‌گیری

رهیافت‌های حاصل از این پژوهش به شرح ذیل است:

۱. نظریه‌های مطرح‌شده در زبان‌شناسی‌شناختی به‌ویژه استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری مربوط به آن می‌تواند گام مؤثری برای انتقال ظرافت‌ها و لایه‌های معنایی نهفته در آیات باشد و شیوه‌ای کارآمد برای تأثیرگذاری بر عاطفه و وجدان مخاطب و جذب آنها به سوی معارف الهی است.
۲. قرآن کریم با توجه به تجربیات انسان در زمینه تعاملات وی با پدیده‌های محیط اطراف، بسیاری از مفاهیم انتزاعی حوزه رذائل اخلاقی از جمله "تکبر" را با امور عینی و ملموس مفهوم‌سازی نموده است.
۳. مفهوم "استکبار" در قرآن با تلفیقی از طرح‌واره‌های پیچیده تصویرسازی شده است که نقش اصلی را در تبیین طرح‌واره‌ی زندگی انسان از دنیا تا آخرت ایفا کرده است.
۴. در بررسی آیات استکبار و مفهوم‌سازی استعاری در این آیات، نگاشت استعاری «کبر، مانع است.» از بسامد بالایی برخوردار است. ساختار نیرو-پویایی "کبر" به‌عنوان ویژگی ذاتی آن و در پشت صحنه همه رذائل اخلاقی، همانند مانعی قدرتمند برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است.
5. در آیات الهی مفهوم استکبار در قالب طرح‌واره‌های حجمی-حرکتی در جهتی رو به پایین برجسته‌سازی شده است که نشانگر سقوط انسان و دور شدن مداوم از مسیر هدایت‌ای که همه مسیرها به سوی توحیدی، بدلیل خاصیت احاطه‌گری "تکبر" است به‌گونه هدایت آنها مسدود است و همچنین طرح‌واره "قدرتی" که "تکبر" را به‌عنوان ریشه همه رذائل اخلاقی تصویرسازی می‌کند که با ایجاد نیرویی قوی در جهت مخالف فطرت انسان، موجب انحراف از مسیر مستقیم هدایتی می‌شود. در برخی آیات نیز، به‌منظور بیان شدت و کثرت تکبرورزی، تلفیقی از چند طرح‌واره مشاهده شده است؛ (تکبرورزی قوم بنی اسرائیل).

۶. باهم‌آیی استکبار با واژگانی مانند "مُرتاب"، "مُسرف"، "ضلالت"، "جدال" و...؛ نقش برجسته‌ی استکبار به‌عنوان اصلی‌ترین عامل عناد و زیربنای رذایل اخلاقی به صورت امراض قلبی و درونی نشان‌می‌دهد و انسان را تا مرز ایستادگی در برابر حق که سرآغاز معصیت و نافرمانی خداوند است، سوق می‌دهد.
۷. "سنت‌های الهی" به مثابه قوانین تدبیر عالم به‌دست خداوند متعال، با ارائه دستورالعملی کلی و فراگیر در سبک زندگی انسان نقش‌آفرین است. آگاهی به سنت‌های الهی در جهت منفی، جنبه تهدید دارد و یادآوری مکرر از نتایج سنن الهی، سبب دستیابی به معرفت بیشتر از عوامل سقوط انسان در این شبکه قانونمند جهانی و تغییر و تحولات گسترده در اصلاح و هدایت دینی انسان و جامعه می‌شود.
۸. در بررسی سنت‌های الهی در مورد مستکبران، با توجه به ارتباط سنت‌های الهی با رذیله اخلاقی "کبر"، مواردی ملنند "زیادت ضلالت"، "تسویل و تزئین"، "سنت محرومیت"، "استدراج" و "إمهال"، "واگذاری به خویش"، "استیصال" و "عبرت‌آموزی"، "بازتاب اعمال" و... مشاهده می‌شود:



شکل (۸): سنت‌های الهی در حوزه مفاهیم استعاری استکبار

## منابع

- قرآن کریم (مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). ترجمه قرآن، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- ۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۳. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم (۱۴۲۳ق). **تأویل مشکل القرآن**، محقق: ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**، بیروت: دارصادر.
۵. افراشی، آریتا (۱۴۰۰)، **مبانی معناشناسی شناختی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. اؤنز، ویویان و گرینبرگ، ملانی (۱۳۹۹). **الف-ب زبان‌شناسی شناختی**، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.
۷. باقری خلیلی، علی اکبر و محرابی کالی، منیره (۱۳۹۲). طرحواره چرخشی درغزلیات سعدی و حافظ شیرازی، **نقد ادبی**. ۶ (۲۳)، صص ۱۲۵-۱۴۸.
۸. پارسا، فروغ (۱۳۹۹). **معناشناسی و مطالعات قرآن**، تهران: نگارستان اندیشه.
۹. توکل نیا، مریم، حسومی، ولی‌الله (۱۳۹۵). بررسی طرح‌واره‌های تصویری حرف «فی» در قرآن با تکیه بر نظریه جانسون در معنی‌شناسی شناختی، **تفسیر پژوهی**، ۳ (۵)، صص ۴۶-۸۰.
۱۰. جانسون، مارک (۱۳۹۸). **بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال**، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). **تسنیم تفسیر قرآن کریم**، قم: اسراء.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). **الصحاح، تاج اللغة وصحاح العربیة**، محقق: احمد عبدعطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۳. چارتریس-بلک، جانانان (۱۳۹۸). **تحلیل انتقادی استعاره: رویکردی شناختی-پیکره‌ای**، ترجمه یکتا پناه‌پور، قم: لوگوس.
۱۴. حامد مقدم، احمد (۱۳۸۷). **سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم**، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، تهران: مرتضوی.
۱۶. راغب، عبدالسلام احمد (۱۳۸۷). **کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم**، تهران: سخن.
۱۷. سهراب‌پور، همت (۱۳۷۹). **سنت‌های الهی**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. سیدنژاد، رضی؛ شاکر، محمدتقی؛ نصرالله‌پور، ابراهیم؛ نصیری، علی اصغر؛ کهنوند، حامد (۱۴۰۱). **سنت‌های الهی در قرآن کریم**، قم: مرکز چاپ سپاه.

۱۹. شاددل، مرضیه؛ نظری، علی؛ چراغی‌وش، حسین؛ شعیری، حمیدرضا (۱۴۰۳). تحلیل نشانه- معنی‌شناختی مکان در داستان حضرت موسی (علیه السلام). *تحقیقات علوم قرآن و حدیث* دانشگاه الزهراء (س)، ۲۱(۱)، صص ۵۷-۸۴.

DOI: 10/22051/ TQH.2023/42506/3765

۲۰. صفوی، کورش (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیرالقرآن*، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*، قم: هجرت.
۲۳. فیومی، احمدبن‌محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح‌المنیر*، قم: دارالهجرة.
۲۴. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۹-الف). *استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۹-ب). *معناشناسی ۲*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. لیکاف، جورج (۱۳۸۳). «*نظریه معاصر استعاره*» در *استعاره، مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی*، ترجمه گروه مترجمان، به‌کوشش فرهاد ساسانی، تهران: سوره مهر.
۲۷. محمدی آسیابادی، علی؛ صادقی، اسماعیل؛ طاهری، معصومه (۱۳۹۱). طرح‌واره حجمی و کاربرد آن در بیان تجارب عرفانی، *پژوهش‌های ادب عرفانی*، ۶(۲)، صص ۱۴۱-۱۶۲.
۲۸. مرتضی‌زبیدی، محمدبن‌محمد (۱۴۱۴ق). *تاج‌العروس*، محقق: مصحح: علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۲۹. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۰. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). *اخلاق در قرآن*، تهران: مؤسسه امام خمینی (ره).
۳۱. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم*، بیروت: دارالکتب‌العلمیه؛ نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۲. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸). *ترجمه تفسیرکاشف*، قم: بوستان کتاب.
۳۳. مؤدب، رضا (۱۳۷۹). *اعجاز قرآن در نظر اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام*. قم: احسن‌الحديث.
۳۴. نصرتی، شعبان، رکعی، محمد (۱۳۹۹). *معناشناسی شناختی در کاربست متون وحیانی*، قم: معارف اهل بیت‌الطاهرین علیهم‌السلام.



35. Jonson, M. (۱۹۸۷). *The Body In The Mind: The Bodily Basis of Meaning, Reason And Imagination*. Chicago: Chicago University Press



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## References

- The Holy Qur'an. *Translation of the Qur'an* by Makaram Shirazi, Nasser (1994). Qom: Department of Islamic History and Knowledge Studies.
- 1. Alousi, Mahmoud bin Abdullah. (1415 AH). *Rouh Al-Ma'ānī fī Tafsir Al-Qur'an Al-'Azeem wa Saba' Al-Mathānī*. Beirut: Dar al-Kutub al-Islāmīya. [In Arabic]
- 2. Ibn Fāris, Ahmad Bin Fāris (1404 AH). *Mu'jam Maqāyīs al-Lugha*. Abd al-Salam Mohammad Haroun, Qom: School of Islamic Studies. [In Arabic]
- 3. Ibn Qutaiba, Abdullah bin Muslim (1423 AH). *Ta'wīl Mushkil al-Qur'an*. [Research: Ebrahim Shamsuddin,] Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīya, Mohammad Ali Bayzoon's Publishing. [In Arabic]
- 4. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukrim (1414 AH). *Lisān al-'Arab*, Beirut: Dar Sader.
- 5. Afrashi, Azita (2021), *Basics of Cognitive Semantics*. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- 6. Evans, Vivian and Greenberg, Melanie (2020). *A-B Cognitive Linguistics*, [translated by Jahanshah Mirzabigi,] Tehran: Aghaz. [In Persian]
- 7. Bagheri Khalili, Ali Akbar and Mehrabikali, Munireh (2013). Revolving scheme in the ghazals of Sa'di and Hafez Shirazi, *Literary Criticism*, 6(23): pp. 125-148. [In Persian]
- 8. Parsa, Forough (2020). *Semantics and Qur'an Studies*, Tehran: Andisheh Negarestan. [In Persian]
- 9. Tavakkolnia, Maryam & Hassoumi, Valiullah (2016). Examining the conceptual schemas of the letter "fi" in the Qur'an based on Johnson's theory in cognitive semantics, *Tafsir Pazhuhi*, 3(5): pp. 46-80. [In Persian]
- 10. Johnson, Mark (2019). *The body in the mind: the physical basis of meaning, imagination and reasoning*, [translated by Jahanshah Mirzabigi,] Tehran: Aghaz. [In Persian]

11. Javadi Amoli, Abdullah (2001). *The Commentary of Tasnim*, Qom: Isra'. [In Persian]
12. Jawharī, Ismail bin Hammād (1376 AH). *Al-Sihāh, Tāj al-Lughā wa Sihāh al-'Arabīyyah*, [research: Ahmed Abd 'Attār,] Beirut: Dar al-'Ilm lil-Malā'īn. [In Arabic]
13. Chartris-Black, Jonathan (2019). *Critical Analysis of Metaphor: a Cognitive-Physical Approach*, [translated by Yekta Panahpour,] Qom: Logos. [In Persian]
14. Hamed Moghaddam, Ahmed (2008). *Social Traditions in the Holy Qur'an*, Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.
15. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad (1995). *Translation and Research of al-Mufradāt*, Tehran: Mortazavi. [In Persian]
16. Rāghib, Abdolsalam Ahmad (2008). *The Function of Artistic Image in the Holy Qur'an*, Tehran: Sokhan. [In Persian]
17. Sohrabpour, Hemat (2000). *Divine Traditions*, Qom: Qom Seminary Teachers Society, Islamic Publishing House. [In Persian]
18. Seyednejad, Razi; Shakir, Mohammad Taghi; Nasrollahpour, Ibrahim; Nasiri, Ali Asghar; Kohund, Hamed (2022). *Divine Traditions in the Holy Qur'an*, Qom: Sepah Printing Center. [In Persian]
19. Shaddel, Marzieh; Nazari, Ali; Cheragivash, Hossein; Sha'iri, Hamidreza (2024). Semiotic-semantic analysis of place in the story of Prophet Moses (as), *Researches on Qur'an and Hadith Sciences*, Al-Zahra University, 21(1): pp. 57-84. [In Persian] DOI: 10/22051/TQH.2023/42506/3765
20. Safavi, Kooroh (2008). *An Introduction to Semantics*, Tehran: Sureh Mehr. [In Persian]
21. Tabatabaei, Mohammad Hossein (1390 AH). *Al-Mizan fī Tafsir Al-Qur'an*, Beirut: Al-'A'lamī Foundation. [In Arabic]
22. Farāhīdī, Khalil bin Ahmad (1409 AH). *Kitab al-'Ain*, Qom: Hijrat. [In Arabic]

23. Fayoumī, Ahmad bin Muhammad (1414 AH). *Al-Misbāh al-Munīr*, Qom: Dar al-Hijra. [In Arabic]
24. Gha'iminia, Alireza (2020-a). *Conceptual Metaphors and Spaces of the Qur'an*, Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. [In Persian]
25. Gha'e'iminia, Alireza (2020-B). *Semantics 2*, Qom: Research Institute of Seminary and University. [In Persian]
26. Likaf, George (2004). "*Contemporary Theory of Metaphor*" in *Metaphor; the basis of thinking and creating beauty*, [translated by a group of translators, by the efforts of Farhad Sasani,] Tehran: Sureh Mehr. [In Persian]
27. Mohammadi Asiyabadi, Ali; Sadeghi, Ismail; Taheri, Masoumeh (2012). The volumetric schema and its application in mystical experiences, *Researches of Mystical Literature*, 6(2): pp. 141-162. [In Persian]
28. Mortadā Zubaidī, Muhammad bin Muhammad (1414 AH). *Tāj al-'Arous*, [research and proofread: Ali Shiri,] Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
29. Misbah Yazdi, Mohammad Taghi (2012). *Society and History from the Perspective of the Qur'an*, Tehran: International Publishing Company. [In Persian]
30. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2004). *Ethics in the Qur'an*, Tehran: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
31. Mostafavi, Hassan (1430 AH). *Al-Tahqīq fī Kalimāt al-Qur'an al-Karim*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiya, Publication of Allameh Mostafavi's works. [In Arabic]
32. Mughnīyah, Mohammad Javad (1999). *Translation of Tafsir Kashshāf*, Qom: Boostan Kitab. [In Persian]
33. Mo'adab, Reza (2000). *Miracles of the Qur'an in the Opinion of Ahl al-Bayt (as) and Twenty Great Scholars of Islam*. Qom: Ahsan al-Hadith. [In Persian]

34. Nusrati, Sha'ban, Rok'ei, Mohammad (2020). *Cognitive Semantics in the Revelation Texts*, Qom: Ma'ārif Ahl al-Bayt (as). [In Persian]
35. Johnson, M. (1987). *The Body in The Mind: The Bodily Basis Of Meaning, Reason And Imagination*. Chicago: Chicago University Press.

